

احساس امنیت زنان و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر مشهد)

محمد حسن شربتیان^۱ و پروانه دانش^۲

چکیده

زمینه و هدف: احساس امنیت از مهمترین مولفه‌های اجتماعی، روانشناختی و فرهنگی هر جامعه می‌باشد. هدف از نوشتار حاضر، واکاوی اجتماعی و روانشناختی احساس امنیت زنان در شهر مشهد بود.

روش: در این تحقیق با بهره‌گیری از روش پیمایشی در سال ۱۳۹۰ از زنان ۲۰ تا ۶۴ ساله شهر مشهد ۳۹۱ نفر از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و با ابزار پرسشنامه محقق ساخته که از روایی (۶۸ درصد) بهره‌مند بود فرضیات تحقیق مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، استفاده از رسانه‌های جمعی، نگرش به پوشش، مقاومت اجتماعی و نگرش فرد به خود، مهمترین عوامل تاثیر گذار بر امنیت اجتماعی زنان در این تحقیق بود و به نحوی که این عوامل، واریانس متغیر وابسته را ۵۵٪ تبیین کردند.

کلید واژه‌ها: احساس امنیت، زنان، رسانه‌های جمعی، مسئله اجتماعی، نگرش

مقدمه

تعاملات انسانی در زندگی اجتماعی در چهار حوزه (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی) صورت می‌گیرد، با توجه به این عوامل، وجود امنیت^۳ در قالب مصادیق عینی^۴ در چارچوب رعایت نظم^۵ و مشارکت پایدار شهروندان باعث ارتقاء کنترل اجتماعی می‌شود؛ در مقابل، احساس امنیت به عنوان بعد ذهنی^۶ در بین گروه‌های اجتماعی از جمله زنان باعث پیشگیری از جرایم می‌گردد.

احساس امنیت، مقدمه لازم برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است و دولت‌ها هزینه، زمان و امکانات وسیعی را برای تأمین آن صرف می‌کنند. مقوله احساس امنیت به مثابه یک آرمان و واقعیت به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است و در نهایت مجموعه‌ای از تعاملات و نیز تعاون و سازگاری بین اجزاء مختلف نظام اجتماعی است (احمدی و اسمعیلی، ۱۳۸۹). در دهه‌ای اخیر با توجه به فراز و فرودهای اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه، زندگی اجتماعی شهروندان از جمله زنان به شدت دگرگون شده است. این تغییرات از یکسو ناامنی اقتصادی و شغلی را با خود به همراه می‌آورد، و از سوی دیگر، ناامنی ذهنی را افزایش می‌دهد، در نتیجه اعتمادش^۷ شهروندان در حال کاهش است. در این شرایط مطالعه احساس امنیت زنان در مشهد به عنوان یک مسأله اجتماعی قابل ارزیابی است.

احساس امنیت ناشی از ارزش‌های جدید و نظام ارزشی حاکم بر جامعه که سلول‌های بنیادی و منظومه هویتی را در بر می‌گیرد، هسته اساسی امنیت را شامل می‌شود. بنابراین امنیت در خود حامل معانی اطمینان، عدم خوف، در امان بودن

^۱ دانشجوی دکترا، عضو علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) Email: sharbatriyan@pnu.ac.ir

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

^۳ Security

^۴ Objective

^۵ Order

^۶ Subjective

و نه‌راسیدن است. یعنی احساس امنیت (حالات و موقعیت‌های ذهنی) تا ایمنی و اطمینان خارجی (موقعیت‌های عینی و برونی) در این واژه نهفته است (موذن جامی، ۱۳۷۸).

در چند سال اخیر، ترکیب تحولات جمعی تی و اقتصادی جوامع روبه توسعه از جمله ایران دستخوش تغییرات و پیامدهای ناگوار در عرصه های مختلف بالاخص در حوزه امنیت و افزایش احساس ناامنی بویژه در کلان شهرها مورد نگرانی و دغدغه دانشگاهیان و مسئولین قرار گرفته است . مولر^۷ معتقد است که امنیت در مفهوم عینی آن اندازه‌گیری فقدان تهدید علیه ارزش‌ها؛ و در مفهوم ذهنی به فقدان احساس ترس از اینکه چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار خواهد گرفت، اشاره دارد. امنیت، توانایی جامعه در دفاع از خصوصیات و ویژگی‌های اساسی خود در برابر تغییرات و تهدیدات واقعی و احتمالی است . امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جوامع احساس می‌کنند هویت‌شان در خطر است (مولر^۸، ۲۰۰۰). با توجه به چنین ضرورتی احساس امنیت زنان در سطح خرد اشاره به روابط بین افراد در حوزه کار، تحصیل، خویشاوندان، همسایگان، همکاران داشته و نیز تجربه‌های مستقیم و غیر مستقیم روزانه افراد از پدیده‌های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم، قتل، تجاوز، ربایندگی و غیره و برخوردهای اقتصادی، اجتماعی زنان، احساس امنیت این گروه اجتماعی را شکل می‌دهد (بیات، ۱۳۸۸). مطالعه احساس امنیت زنان با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط دارد. احساس امنیت فرآیندی روانی و اجتماعی است که صرفاً بر زنان تحمیل نمی‌شود بلکه اکثر اعضای این گروه اجتماعی بر اساس نیازها، علایق، خواسته‌ها و توانمندی‌های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن نقش اساسی دارند . نتایج پیمایشی ملی در مورد احساس امنیت برای کل جامعه ایران، نشان می‌دهد که «۵۲ درصد از افراد دارای احساس امنیت اجتماعی زیادی، ۲۷ درصد متوسط و ۲۱ درصد دارای احساس ناامنی اجتماعی هستند . این میزان برای استان‌های خراسان این گونه است که ۴۳/۶۵٪ از افراد دارای احساس اجتماعی زیاد، ۳۲/۲۵٪ امنیت متوسط و ۲۴/۲۵٪ احساس ناامنی اجتماعی می‌کنند. ملاحظه می‌شود که این میزان کمتر از میانگین احساس امنیت کل کشور است. همچنین از دیگر نتایج این تحقیق این است که ۲۱٪ از افراد، احساس ناامنی را کم اهمیت و حدود نیمی دیگر احساس امنیت را مشکل اصلی تلقی می‌نمایند (عظیمی‌هاشمی، ۱۳۸۴).

با توجه به اینکه احساس امنیت در بین گروه زنان به صورت ذهنی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تاکید بر رهیافت نظری بر پایه ارزش‌های ذهنی و گروهی باید کرد . اشاره این رهیافت به آن است که تهدیدات، به طور عمده علیه ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی است و این امنیت زمانی حاصل می‌گردد که گروه‌ها و خرده فرهنگ‌ها بتوانند به راحتی ابراز وجود نموده و ایده‌ها و خواسته‌ها و ارزش‌های خود را مطرح کنند . پس مهمترین منبع تحقیق امنیت، خود جامعه و گروه‌های اجتماعی می‌باشد (احمدی و اسمعیلی، ۱۳۸۹). از نظر مولر، احساس امنیت اجتماعی جوامع با امنیت سیاسی (رهیافت قدرت محو) پیوند دارد، اما مجزا از آن است . امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها و ایدئولوژی که به دولت و حکومت‌ها مشروعیت می‌بخشند مربوط می‌شود. اما امنیت اجتماعی به بقای گروه‌های اجتماعی توجه دارد که به دلیل اشتراک نظر اعضا به عنوان هویت یاد می‌شود. امنیت دولت دربرگیرنده حاکمیت به عنوان معیار نهایی خود است، اما امنیت اجتماعی دربرگیرنده هویت است و هر دو آنان بر بقاء دلالت دارند (نوبدینیا، ۱۳۸۲). بوزان^۹ معتقد است که امنیت اجتماعی زمانی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی به عنوان تهدید برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد .

⁷ . Moller

⁸ . Moller

⁹ . Buzan

امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد (نویدینیا، ۱۳۸۵). در این رهیافت، هویت محوری زنان باید تاکید بر توانمندی‌های بالفعل و بالقوه آنان در جهت بالندگی، نگرش به خود، نگرش به پوشش و مقاومت های اجتماعی در برابر مسئله ناامنی اجتماعی داشته باشد. میران میتار^{۱۰} برای ارزیابی امنیت اجتماعی از مدل نظام مند استفاده می‌کند. وی تلاش می‌کند مسایل اجتماعی را بر اساس سطوح متفاوت (فرد، گروه، سازمان، اجتماع، جامعه و سیستم فراملی) تحلیل کند و از آنارشی به جای تعادل به عنوان وسیله ای برای اندازه گیری حالات نظام استفاده می‌کند. در تئوری آنارشی اجتماعی، از شش متغیر کلان اجتماعی نام می‌برند که عبارتند از جمعیت=P، اطلاعات=I، فضاء=S، تکنولوژی=T، سازمان=O و سطح کیفی امنیت=L (Level of security of quality of) که معادله عوامل بالا به این صورت می‌باشد: $L=F(O,T,S,I,P)$ بر اساس این معادله، می‌توان نتیجه گرفت که هر گروه اجتماعی اگر از میزان جمعیت، اطلاعات، فضاء یا سرزمین، تکنولوژی و سازماندهی بیشتری برخوردار باشد از امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها که بهره کمتری از متغیرهای فوق دارد، برخوردار است (میتار، ۱۹۹۶ به نقل از احمدی و اسمعیلی، ۱۳۸۹). در این رهیافت عوامل جمعیتی و متغیرهای زمینه ای گروه اجتماعی زنان در بحث امنیت اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. رهیافت فمینیستی بخش دیگری از مباحث احساس امنیت زنان را می‌تواند مورد ارزیابی قرار دهد. در این راستا رویکردهای فمینیستی به معنای کامل کلمه، رویکردهای امنیتی مردم محور هستند. به عبارت دیگر فمینیست‌ها داعیه عطف توجه جریان مطالعات امنیتی به سطح خرد، یعنی شهروندان و افرادی که اغلب در پرتو ملاحظات قدرت محور به فراموشی سپرده شده اند را دارند. از دیگر نظریه‌های موجود درباره احساس امنیت افراد، مدل پایگاه قدرت تتودور کمپر^{۱۱} است. که در سه فرضیه خلاصه می‌شود. ۱- هرچه شخص در روابط اجتماعی افزایش قدرتی را تجربه کند، احساس رضایت از امنیت و اعتماد بیشتر خواهد بود. ۲- هرچه شخص انتظار به دست آوردن قدرت در روابط اجتماعی را داشته باشد ولی آن را بدست نیاورد، احساس اضطراب او و به صورت بالقوه احساس ترس او بیشتر خواهد بود. ۳- هرچه شخص بیشتر احساس کند که پایگاهش در روابط اجتماعی در حال صعود است، احساس رضایت و رفاه او بیشتر خواهد بود (نصری، ۱۳۹۰). رویکرد آسیب پذیری که نگاهی جامعه شناختی به مسئله احساس امنیت دارد، با تاکید بر عوامل جنسیت، سن و موقعیت اجتماعی و اقتصادی به ارزیابی این مسئله می‌پردازد. در این رویکرد جنسیت بیشترین قابلیت را برای تشریح و پیش بینی احساس ناامنی دارد، مطالعات بسیاری بین این دو پدیده را تأیید کرده و نشان داده اند که معمولاً زنان بیشتر از مردان احساس ناامنی را گزارش می‌کنند. همچنین زنان صرف نظر از سن بیشتر از مردان می‌ترسند و حال اینکه این ترس، متناسب با بالا رفتن سن افزایش می‌یابد. هرماه با افزایش سن، نقش تفاوت های جنسیتی در پیدایش احساس ناامنی کاهش می‌یابد. با توجه به رویکردهای ذکر شده در سطور قبل جدول زیر به صورت خلاصه به رهیافت های نظری قابل استفاده در این تحقیق اشاره می‌کند که به صورت خلاصه به آن‌ها اشاره نموده ایم.

جدول ۱. رویکردهای نظری مورد استفاده و متغیرهای مستقل

¹⁰. Mitar

¹¹. Kampar

ردیف	رویکردهای نظری	متغیرهای مستقل
۱	رہیافت قدرت محور: نظم اجتماعی از شرایط وجود احساس امنیت است که از طریق استمرار نظام ارزشی و فرایند جامعه پذیری حاصل می‌شود.	حمایت اجتماعی
۲	رہیافت هویت محور: اشاره به دیدگاه پساپوزیتیویستی-تاکید بر جامعه- گروه‌های اجتماعی متفاوت- هویت و معنا- امنیت دورن زا و محصول اجتماعی.	نگرش به خود و نگرش به بهشش و مقاومت اجتماعی
۳	رہیافت فمینیسمی: برابری زن و مرد و رفع تبعیض زنان در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی.	شغل - درآمد
۴	تئوری آنارشیستی: هر گروه اجتماعی که به اندازه بیشتری دارای متغیرهای (جمعیت، اطلاعات، فضا، تکنولوژی، سازمان) باشد از احساس امنیت بیشتری برخوردار است.	استفاده از وسایل ارتباط جمعی
۵	رویکرد آسیب پذیری: تاکید بر عوامل جمعیتی همچون جنسیت-سن و موقعیت اجتماعی- اقتصادی.	سن - جنسیت - موقعیت اجتماعی و اقتصادی

سنجش احساس امنیت زنان در کلان شهر مشهد از راه عکس آن یعنی احساس ناامنی زنان تعریف می‌شود، احساس ناامنی در این شهر در حوزه های مختلفی قابل مطالعه است و بر حسب شرایط اجتماعی و محیطی به گونه های متفاوت نظیر ناامنی شغلی، جانی، قضایی و اقتصادی در بین زنان بروز پیدا می کند. بنابراین در این نوشتار به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که زنان شهر مشهد چه برداشتی از احساس امنیت دارند و عوامل موثر بر آن چه خواهند بود؟ هدف از این نوشتار ارزیابی احساس زنان از فضای موجود نسبت به امنیت است که رابطه بین ساختارهای عینی (امنیت) و صورت‌های ذهنی (احساس امنیت) را مورد تحقیق قرار می‌دهد.

روش

پژوهش حاضر نوعی بررسی مقطعی و تحلیلی است که به دلیل نیازمندی به نظرات پاسخگویان از تکنیک پرسشنامه مصاحبه‌ای استفاده کرده است. همچنین پژوهش حاضر از نظر هدف، یک بررسی کاربردی و از نظر وسعت، پهنانگر است؛ که با توجه به یافته های بدست آمده، می توان نتایج تحقیق را به زنان کلانشهر مشهد تعمیم داد. جامعه آماری این پژوهش زنان بین ۲۰ تا ۶۴ سال شهر مشهد بوده که در مناطق ۱۳ گانه این شهر اقامت داشته اند. سطح واحد تحلیل، فرد بوده است که با توجه به آخرین سرشماری (۱۳۹۰) حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده و دقت برآورد $d = 0.05$ و P پراکندگی بر اساس میزان بیشترین جمعیت در هر منطقه مورد توجه قرار گرفته است. آزمون مقدماتی با نمونه ۶۵ نفری در بین مناطق شهری انجام یافته، که با توجه به سطح اطمینان ۹۵٪ نمونه ای، تعداد ۳۵۶ نفر انتخاب شدند و برای کاهش سطح خطاهای تحقیق، حجم نمونه ۱۰٪ بالاتر گرفته شده و از این رو ۳۹۱ نفر برای پاسخگویی به

سوالات در نظر گرفته شده اند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، پژوهش خوشه ای چند مرحله ای است. با توجه به مبانی نظری مورد مطالعه، فرضیات زیر برای آزمون و تجزیه و تحلیل مطرح می‌گردند:

- هرچه حمایت اجتماعی از زنان بیشتر باشد، میزان احساس امنیت آنان بالاتر خواهد بود؛
- هرچه میزان مقاومت اجتماعی زنان بالاتر باشد، میزان احساس امنیت آنان بالاتر خواهد بود؛
- هرچه امنیت اقتصادی زنان بهتر باشد، احساس امنیت آنان بالاتر خواهد بود؛
- زنانی که از رسانه‌های جمعی بیشتری استفاده می‌کنند، از احساس امنیت بیشتری برخوردارند؛
- هرچه نگرش فرد از خود مثبت تر باشد، از احساس امنیت بیشتری برخوردار است؛
- هرچه زنان معتقد تر به پوشش اسلامی باشند، احساس امنیت آنان بالاتر خواهد بود.

با توجه به میزان روایی و اعتباری که هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته برای اثبات فرضیات باید داشته باشند، بر اساس استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ و نرم افزار Spss سازه‌های ما در این تحقیق در حد مطلوبی دارای روایی می‌باشند که جدول ذیل به طور خلاصه بیانگر این حد مطلوب است.

جدول ۲. ضریب آلفای کرونباخ

میزان آلفاء	تعداد گویه	سازه‌ها
۰/۷۱۰	۱۰	احساس امنیت (متغیر وابسته)
۰/۷۰۷	۴	حمایت اجتماعی
۰/۶۶۸	۵	مقاومت اجتماعی
۰/۷۰۲	۴	امنیت اقتصادی
۰/۶۰۶	۳	رسانه‌های جمعی
۰/۷۲۹	۴	نگرش فرد به خود
۰/۶۸۵	۴	نگرش به پوشش

یافته‌ها

مطالعه متغیر وابسته در این تحقیق، احساس امنیت زنان است که در جدول زیر در یک نگاه آماری می‌توان به نتایج بدست آمده اشاره کرد.

جدول ۳. میزان احساس امنیت زنان در مشهد

احساس امنیت	فراوانی	درصد
زیاد	۹۳	۲۳/۷٪

متوسط	۱۶۸	%۴۳
کم	۱۳۰	%۳۳/۳
کل	۳۹۱	۱۰۰

با توجه به میانگین بدست آمده برای متغیر وابسته تحقیق (۲/۲۷) احساس امنیت زنان در کلانشهر مشهد، متوسط روبه پایین است. بر این اساس احساس امنیت پاسخگویان %۴۳ کم، %۳۳/۳ متوسط و تنها %۲۳/۷ زنان، از احساس امنیت بالایی برخوردار بوده اند.

بخش دیگری از یافته های تحلیل به لحاظ نظری به مجموعه ای از عوامل موثر بر احساس امنیت زنان شهر مشهد اشاره می کند که در واقع متغیرهای مستقل یاد شده در بخش فرضیات هستند. جدول زیر به رابطه متغیرهای مندرج در چارچوب نظری با احساس امنیت در قالب فرضیات طرح شده اشاره می کند که میزان همبستگی و سطح معناداری را نیز ارائه می دهد.

جدول ۴. آزمون فرضیات و میزان همبستگی ها بین متغیرها

ردیف	فرضیه ها	همبستگی (r)	سطح معناداری
۱	رابطه بین حمایت اجتماعی و میزان احساس امنیت	۰/۰۳۵۳ **	۰/۰۰۰
۲	ارتباط بین مقاومت اجتماعی و میزان احساس امنیت	۰/۰۵۶۱ **	۰/۰۰۰
۳	رابطه بین امنیت اقتصادی و میزان احساس امنیت	۰/۰۲۹ **	۰/۰۰۰
۴	رابطه بین رسانه های جمعی و میزان احساس امنیت	۰/۵۳۲ **	۰/۰۰۰
۵	ارتباط نگرش مثبت از خود و میزان احساس امنیت	۰/۳۲۲ **	۰/۰۰۰
۶	ارتباط بین پوشش مثبت و میزان احساس امنیت	۰/۴۸۰ **	۰/۰۰۰

جدول بالا بیانگر این است که متغیرهای مذکور با میزان احساس امنیت رابطه دارند و هر یک سهم بسزایی در تبیین متغیر وابسته دارند.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون متغیرهای مستقل بر میزان احساس امنیت

Constant	۱۷/۹۱۲	۲/۲۶۵	B	۷/۹۷۰	...
استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۰/۷۵۲	۰/۹۲۰	۰/۳۵۲	۸/۵۰۶	...
نگرش به پوشش	۰/۵۶۰	۰/۰۶۷	۰/۳۷۲	۸/۸۹۲	...
مقاومت اجتماعی	۰/۵۵۵	۰/۰۷۸	۰/۳۱۲	۸/۳۳۳	...
نگرش فرد به خود	۰/۴۱۷	۰/۰۹۹	۰/۱۸۶	۴/۲۴۲	...

امنیت اقتصادی	-۱۵۲۵	۴۷۲	۰/۱۳۲	۳/۱۳۸	۰۰۲
حمایت اجتماعی	-۱۸۲	۰/۰۶۵	۰/۱۲۷	۲/۹۲۵	۰۰۴

با توجه به این جدول باید بیان نمود که میزان احساس امنیت زنان در شهر مشهد، متأثر از متغیر مستقل رسانه‌های جمعی به میزان (۰/۷۵۲+) و نگرش به پوشش به میزان (۰/۵۶۰+)، مقاومت اجتماعی به مقدار (۰/۵۵۵+)، نگرش فرد از خود (۰/۴۱۷+)، امنیت اقتصادی به میزان (۱/۵۲-) و متغیر حمایت اجتماعی به میزان (۰/۱۸۲-) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

احساس امنیت از ابعاد ذهنی حوزه مطالعات جامعه‌شناختی امنیت است. این مفهوم همانند دیگر مفاهیم، از خصایص پیچیده‌ای برخوردار است. به نظر بوزان، هرگونه تلاشی برای درک مفهوم امنیت، بدون آگاهی کافی از تناقضات و نارسایی‌های موجود در خود این مفهوم ساده‌اندیشانه است (بوزان، ۱۳۷۹). علاوه بر این، تأمین امنیت از لازمه‌های ثبات و پایداری نظم اجتماعی است و به همین دلیل اطلاع از میزان احساس امنیت، موضوعی مهم و درخور امنیت اجتماعی، موضوعی مهم و درخور توجه است. نتایج توصیفی متغیر وابسته تحقیق نشان می‌دهند که میزان احساس امنیت زنان شهر مشهد در حد متوسط روبه پایین است. میانگین به دست آمده برای متغیر وابسته تحقیق ۲/۲۷ بوده است که بین کم و متوسط (مایل به متوسط) قرار دارد. در تحلیل رگرسیون چند متغیری در مدل نهایی تعداد ۶ متغیر باقی ماندند که دارای بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته بوده‌اند که عبارتند از: استفاده از رسانه‌های جمعی با مقدار بتای ۰/۳۵۲، نگرش به پوشش با مقدار بتای ۰/۳۷۲، مقاومت اجتماعی با مقدار بتای ۰/۳۱۲، نگرش فرد به خود با مقدار بتای ۰/۱۸۶، امنیت اقتصادی با مقدار بتای ۰/۱۳۲ و حمایت اجتماعی با مقدار بتای ۰/۱۲۷ می‌باشد. در این مدل نهایی بدست آمده میزان ضریب تعیین بدست آمده (۰/۵۵) و میزان ضریب همبستگی (۰/۷۶) بوده است.

با توجه به این نتایج می‌توان اشاره نمود که زنان جامعه مورد مطالعه نسبت به وجود امنیت اجتماعی در سطح شهر از احساس متوسط و رو به پایینی برخوردارند، هر یک از متغیرهای جامعه‌شناختی مستقل در این تحقیق بخشی از فرایند احساس امنیت اجتماعی زنان را ارتقاء خواهد داد. تأثیر رسانه‌های جمعی بر جامعه زنان در جهت ارتقاء احساس امنیت به عنوان مهمترین متغیر جامعه‌شناختی در جامعه ما می‌تواند نقش بارزی در بروز نظم اجتماعی و کنترل اجتماعی داشته باشد. آموزش‌ها و آگاهی اجتماعی که این متغیر در بین مخاطبان خود می‌تواند بوجود آورد در کنار سایر عوامل مورد مطالعه می‌تواند بر افزایش احساس امنیت اجتماعی شهروندان زن موثر باشد. همچنین با توجه به برداشتی که جامعه مورد مطالعه از ارتقاء احساس امنیت داشته‌اند. یکسری از راهکارهایی را در یافته‌های تکمیلی پرسشنامه مصاحبه‌ای خود بیان کرده‌اند که به ترتیب فراوانی عبارتند از: رعایت پوشش و آرایش مناسب از سوی زنان (۲۵/۷٪)، فرهنگ سازی (۲۲٪)، برخورد جدی پلیس با عوامل ناامنی زنان (۲۰/۲٪)، وضع قوانین جدی و شدید برای مزاحمین (۱۰/۵٪)، افزایش آگاهی زنان (۱۰٪)، افزایش گشت انتظامی (۹/۱٪)، افزایش وسایل نقلیه ویژه زنان (۵/۵٪)، روابط خانوادگی مسالمت آمیز (۳٪)، رفتار مناسب پلیس با زنان (۲/۵٪)، روشنایی معابر (۱/۹٪) و با توجه به نتایج تحقیق و آزمون فرضیه‌های مربوط به متغیرها، راهکارهایی برای افزایش احساس امنیت زنان به شرح زیر می‌توان بیان کرد.

- ارائه برنامه‌های مشارکتی رسانه ملی با سایر دستگاه‌های ذیربط به شهروندان جهت ارتقاء امنیت اجتماعی؛
- آموزش‌های مستقیم و غیر مستقیم رسانه‌های جمعی جهت ارتقاء امنیت اجتماعی؛
- تامین بهداشت روانی و اجتماعی زنان با توجه به فرهنگ بومی و ملی؛
- بالندگی توانمندی‌های زنان در جهت ایجاد مشارکت پایدار در عرصه‌های مختلف جامعه؛
- ارتقاء دانش نرم افزاری و سخت افزاری هویت اجتماعی زنان؛
- توجه به تحولات و تحرکات امنیت زنان معطوف به (۱- موجودیت هویت گروهی ۲- سبک زندگی)؛
- توجه به نیازها و علایق زنان در سطوح مختلف جامعه؛
- پیشگیری از ناامنی و کنترل جرایم برای کلیه سطوح اجتماعی و طبقاتی زنان از سوی نهادهای ذیربط؛
- افزایش گشت‌های شبانه روزی در سطح محلات و مناطق شهری از سوی پلیس؛
- فرهنگ سازی در جهت پاسداشت حریم و عفت عمومی زنان در جامعه.

منابع

منابع فارسی

- احمدی، یعقوب، اسمعیلی، عطاء، (۱۳۸۹). سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چند بعدی و میان رشته ای در شهر مشهد . فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی (۳۸)، شماره دوم، دوره تابستان. صص ۱۹۰-۱۶۹. ##
- بیات، بهرام، (۱۳۸۸). جامعه شناسی احساس امنیت. چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر. ##
- بوزان، باری، (۱۳۷۸). مردم، دولت ها و هراس . چاپ اول، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران : انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. ##
- عظیمی هاشمی، مژگان، (۱۳۸۴). تحلیل مقایسه ای احساس امنیت اجتماعی اقتصادی مردم مشهد و کشور . مجله فرهنگ خراسان، سال پنجم، شماره ۱۳، دوره تابستان، صص ۱۹۸-۱۷۲. ##
- موذن جامی، محمدهادی، (۱۳۷۸). مقدمه ای بر امنیت و مولفه‌های آن. فصلنامه دانش انتظامی. ##
- نصری، قدیر، (۱۳۹۰). معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک. ##
- نویدنیای، منیژه، (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول. صص ۷۶-۵۵. ##

منابع انگلیسی

- Mitar, Miran, (1996) assessment of societal security in recent past and today, college of police and security studies, Slovenia. ##
- Moller, Bjorn, (2000) National, Societal and Human Security Discussion – case study of the Israel – Palestine conflict. ##
- Soler, H., Vinayak, P. Quadagno, D (2000), Biosocial Aspects of Domestic Violence. 25, pp721-739. ##